

قابل مقایسه و شبیه که ذکر خواهیم کرد تفاوت میکند: یکی مفکره مسیحیت جهانی که حتی آریانیان نیز در آن شامل هستند. دو دیگر مفکوره وحدت اروپا و آن بدین لحاظ که ترکان مردمان آسیایی اند و چون امپراطوری رومیه مشتمل بر سراسر شمال آسیاست، انسان نمی تواند تاریخ آنها را بدرستی فهم کند مگر آنکه همه جنبه های مسایل آسیایی را آرموده و در آنها رسوخ و نفوذ کرده باشد. مدیگر آن نیز بابت یک مفکره مهم مشابه دیگر نیز تفاوت مینماید و آن مسیحیت لاتین است، بدین طریق که اقوام سلاو، لیتیک (۱) و مجار که بخشی از بن دسته بشمار میروند، ماهیت خاص و عجیب دارند و در اینجا از آن بحث نخواهیم کرد. تماس ما به آنچه با این وحدت بیگانه مینماید صرف بر حسب ایجاب و ضرورت خواهد بود؛ آنها هم بنحو گذرند و فرعی. وجه همت مرالف بیشتر اینست که تحقیقات خود را متوجه ملت های نژاداً بهم نژاد یک گرداند؛ خواه از نژاد جرمن باشد و یا فرآورده و مخلوط جرمن - لاتین؛ که گزارش های تاریخی آن مرکز نقل را بهتر بگویم تخمدان تاریخ معاصر محبوب می شود.

در دید آنچه و اصولاً در بخش گزارشهای مربوط به بیگانگان - میگردیم نشان دهم که این ملت ها چگونه بمرحله تکامل و وحدت و اثبات مشترک نایل آمدند. این نکته یک جنبه مفکوره کلی ای است که تاریخ من روی آن اتکاء دارد، البته جنبه دیگر آن مستقیماً از مندرجات استنباط میشود. این کتاب را که با تاریخ کوچکی از تاریخ این ملت ها سروکار دارد میتوان سرآغاز تاریخ جدید نام گذاشت اما باید بیاد داشت که این کتاب در حقیقت چندین کتاب تاریخ است نه یک کتاب تاریخ از سوی دیگر آن شامل بحث پیدایش سلطنت اسپانیه و سقوط آزادی ایتالیا است، از جهتی هم متضمن و مبین یک ضدیت دو جانبه نیز میباشد: یکی مخالفت سیاسی که از فرانسه منشاء گرفت و دیگر ضدیت های کلیسایی که بواسطه ریفرم و نهضت اصلاحات مذهبی رونما شد و کونا. اینکه تقسیمات های ما به دو جنبه منخاصیم که تاریخ معاصر کاملاً روی آن قوام یافته، صورت گرفت.

این کتاب از شروع دوره بی صحبت میکند که در طی آن ایتالیا هنوز در اندرون خود احساس آهنگ و سازش میکرد و کم از کم از آزادی ظاهری بهره مند بود.

Lettie یکی از طوایف که زبان شان از گروه زانهای آریایی است و ارتباط نزدیکی با - اوانیک بهم میرسانند.

آزادی ظاهری بدین معنی که پاپ در آن وجود داشت. مع‌هم. مذامه. کن است گفت
 دارای اختیارات برده است. گذشته از آن در بارهٔ تجزیه ایتالیا و فتح آن بدست
 فرانسویان و اسپانیاییان، سلب کلی آزادی در بعضی کشورها و مقرط حق خود
 ارادیت در دیگران و بالآخره در پیرامون ظفر اسپانیاییان و آغاز غلبه و تفوق
 ایشان بحث خواهد کرد. و درین کتاب بیان خواهد شد که بی‌کفایتی سیاسی
 سلطنت‌های اسپانیولی چگرنه منتهی به وحدت ایشان و بازبچه، صورت عامل فشار
 سلطنت‌های متحده بر بیدینان و انگیزهٔ تأکید باز هم بیشتر معتقدات مسیحی گردیدند
 و نیز معلوم خواهد کرد که شدت بر اشخاص غیر مؤمن منجر به کشف خشکه امریکا
 و فتوحات امپراتوری‌های بزرگ در آن قاره شد. مهمتر از همه این که جهاد در
 طریق مسیحیت منتهی به تفوق و استیلای اسپانیایی در ایتالیا، جرمنی و هالیند گردید
 و نکتهٔ سوم اینکه کتاب من در بارهٔ شبختی‌ها و بدبختی‌های فرانسویان بیانات میدهد
 و آن از زمانی که شارل هشتم بیعت پشتیبان و قهرمان مسیحیت در برابر ترکان
 رهسپار شد تا دورهٔ فرانسس اول، چهل و یک سال بعد که وی بر ضد امپراتور
 از همان ترکان طلب معاونت کرد. در اخیر پس از غور و دقت در سراسر چشمهٔ
 تضادهای سیاسی در مقابل امپراتور در حوزهٔ جرمنی و با تحقیق در مبادی تضادهای
 حوزهٔ کلیسا در برابر پاپ، در حوزهٔ اروپا سعی شده که رؤیت و مشاهدهٔ حقیقی
 و عام و تام گذشتهٔ شقاقتها و اختلافات بزرگی که ناشی از ریفرم مذهبی شد، ممکن
 ساخته شود. اختلافات و جدایی‌هایی که از اصلاحات مذهبی بمیان آمد در مرحلهٔ
 اول درین کتاب مورد گفت‌وگو واقع خواهد شد. آری این کتاب وقف مطالعهٔ
 اینگونه حوادث تاریخی و حوادث مربوط به ملت‌های لائین و جرمن، با در نظر داشتن
 وحدت ایشان، شده است. قضاوت در بارهٔ گذشته و آموزنده ساختن حال بمفاد
 آینده و وظیفه‌ای است که بردوش تاریخ و گذارگر دیده است. البته من دوستم چنین
 بپندارم و از اجرای آن مساعی بزرگ را درین اثر خود در سر نخواهم داشت
 بلکه در آن صرف خواسته‌ام نشان دهم که حوادث فی الحقیقت از چه قرار بوده‌اند.
 آیا مدارک و مواد چنین تحقیقات را از کجا سراغ باید کرد؟ این کتاب و منابع
 مراد آن، اساساً بر خاطرات، یادداشتها، نامه‌ها، گزارشهای سیاسی و روایتهای
 شهو دعیبی استناد دارد. سایر نوشته‌ها و منابع صرف زمانی مورد استفاده واقع شده

که مستقیماً از مدارك دست اول اخذ شده باشند و یا با اشتغال بر اطلاعات
اوریش بنال همپایه مدارك شنه مذکور باشند. این منابع در پدای ه-ر و ر ق مشخص
خواهند شد. جلد دوم که موازی آن نشر میشود روش تحقیق و نتایج روش انقادی
در تاریخ را ارائه خواهد نمود.

هدف و موضوع اثر در حقیقت سازقایی است که ترکیب و صیاق آنرا نشیت میکند
فکته دیگر اینکه نباید توقع داشت همان جهش و تکامل آزادانه موضوع که دست
کم بصورت نظری، در آثار ادبی بکار میرود در نگارش آثار تاریخی هم مراعات
شود. و در باره آثار تاریخی استادان بزرگ یونان و روم باید گفت یقین و اثنق
ندارم که ایشان دارای چنین صفتی بوده باشند.

ایضاح چگونگی واقعات بصورت دقیق، اگر چه اتفاقی و غیر جالب هم باشند،
بینگمان کمال مطاوب و غایت شریعت دانش است. پس ازین می باید حوادث را در
چو کات و حیات و تکامل آنهانت تحت مطالعه گرفت. بنابراین بجای آنکه قرار معمول
و بر حسب توقع همیشگی، از تشریح و تبیین اجدالی مؤسسات میاسی اروپا آغاز کنیم -
که این روش اگر هم تسلسل ادراکات را منقطع نسازد ما را از اصل موضوع یقیناً
دور و منحرف میکند. ترجیح دادم که از هر ملت و از هر یک از قوه ها و از هر فرد،
صرف در مواقعی که نقش عمده و ممتازی بعهده دارند، به تفصیل سخن بمان آرم
البته ازین حیث که آنها میبایستی، اینجا آنجا، در مطاوی کتاب من یاد شوند
و خاصه بدان هنگام که نمی توانستم ایشان را نادیده گرفتم هیچگونه نشو ویش
و اضطرابی در خود احساس نکرده ام. بدین طریق با این عمل خواسته ام بتوانم
بصورت بهتر سمت پیشرفتگی و مراحل تکمیلی و جهتی را که در راه تکامل اختیار
کرده اند و مفکوره هایی را که محرک شان بوده اند، درک نمایم.

در پای کلام باید پرسید آیا در باره رفتار و سلوک من راجع به ممیزاتی که بر شمردم
و در فنگارش تاریخ دارای این همه ارزش و سزاوار دقت و اهتمام زباداند، چه خواهند
گفت؟ آیا نوشته های خود من غالباً غیر مطبوع و ناگوار و نامربوط و بی فروغ و بیزار
کننده لیستند؟ البته فراموش نباید کرد که، قرخان نمونه و سرمشق و دارای طبع و طرز
بزرگوار و عالی، در قدیم، و برای ادای تذکر باید افز و در ایام جدید نیز وجود داشته
اند، و من هیچگاه جسارت نکرده ام که خود را با ایشان در مقام مقایسه قرار دهم.

پادشاهان هخامنشی و رقابت و رزم ، و آن خاصه ازین بابت که دنیای ایشان لحظه دیگر داشته است . فعلاً منکوره عالی و قیمتداری وجود دارد ازین قرار که :
 رویدادهای باید با صبغه‌ای که حاکی از معنویت بشری باشد با وحدت و جامعیت خود پیش
 در عین حال با تنوع و رنگارنگی خود برای مطالعه و مشاهدۀ انسان میسر باشد ؛
 من بخورد به نفس خود بشتن و اقف استم که در کارهای خود چه مقدار از هدف دور و چه جور
 مانند ام : آری انسان با همه سعی و جهد و جهد ممکن است به از هم به مقصود
 نایل نشود ؛ انسان نباید با این وضع دلسر شود ؛ ولی بهر حال باید یاد داشت
 داشت که آنچه به آن معامله دارد به هم و دارای اهمیت بسزایان
 همه گویا از لغات میباشند و چنانکه جا گوئی (۱) هم ثابت میکند خود انسان است ،
 خرافه معمای وجود او گشایش پذیر باشد و با همه چنان آگشودنی و افسانه از گیز البته
 مقصد از انسان حیات افراد و حیات نسلها و حیات مال است و در ضمن این توجه
 و التفات و تحقیقات بعضاً تعمق در باره خالق انسان که قدرت او مافوق قدرتهای مرسوم
 نقوش ع- رشی و فرشی است نیز شامل خواهد بود ؛ (ختم)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رفتم بر آن دلبر همچون منم نه خوانسانی

گفتم که دام پیش تو مانده است گرو

صد دل زخم طره گیسوش بریخت

گفتا که دلت بجوی و بردار و برو

ولا ادری